

با ارزهای دیجیتال چه کنیم؟

مایکل رابرتز



ترجمه‌ی احمد سیف



لیبرا نامی است که فیس‌بوک - این کمپانی عظیم شبکه‌ی اجتماعی - بر روی ارز دیجیتالی خود که برنامه دارد ایجاد کند گذاشته است. هدف فیس‌بوک از این واحد پولی دیجیتالی چیست؟

به گفته‌ی فیس‌بوک، لیبرا «یک واحد پولی ساده‌ی جهانی است که باعث قدرتمند شدن میلیاردها انسان خواهد شد». در بیانیه‌ای که منتشر شده این کمپانی می‌گوید که «دنیا به واقع به یک واحد پولی دیجیتال قابل اعتماد و زیرساختی که بتواند به مقوله‌ی «پول اینترنتی» واقعیت ببخشد، نیازمند است. امنیت بخشیدن به دارایی مالی‌تان بر روی تلفن دستی باید ساده و به‌سادگی قابل درک باشد. نقل و انتقال پول در جهان باید ساده و از نظر هزینه جذاب باشد و حتی باید از فرستادن یک متن و یا عکس از طریق اینترنت، مستقل از این که در کجا زندگی می‌کنید و یا چه می‌کنید، و یا چه میزان درآمد دارید، امن‌تر باشد. ابداع محصولات تازه، و واردین تازه به این نظام موجب می‌شود تا موانع دسترسی به آن و هزینه‌ی سرمایه برای همگان پایین بیاید و شرایط برای نظام پرداختی بدون درگیری برای تعداد بیش‌تری از مردم فراهم شود».

پس هدف اعلام‌شده این است که برای همگان یک واحد پولی ایجاد شود که از اینترنت استفاده می‌کنند تا با استفاده از آن در سرتاسر جهان بدون دردسر و با هزینه‌ی مبادله‌ی نزدیک به صفر کالا و خدمات خریداری کنند. به این ترتیب می‌توان بانک‌های بین‌المللی و واحدهای پولی ملی را دور زد، و هزینه‌هایی که باید به‌ازای استفاده از آن‌ها پرداخت هم به پایان می‌رسد. به‌علاوه همه‌ی مبادلات کاملاً خصوصی خواهد بود و قابل رؤیت مسئولان و بانک‌ها نخواهد بود. از سوی دیگر حدود یک میلیارد و نیم آدمی که حساب‌های بانکی ندارند می‌توانند با استفاده از تلفن دستی و لپ‌تاپ‌شان بدون استفاده از پول نقد به مبادلات جهانی دست بزنند.

به شیوه‌ای که لیبرا عمل خواهد کرد، قرار است مبادلات بین‌المللی اندکی تسریع شوند، ولی با این همه نه به‌سرعتی که شیوه‌های سنتی مبادله عمل می‌کند. به نظر می‌رسد

که با استفاده از لیبرا می‌توان در هر ثانیه ۱۰۰۰ مبادله را سازمان داد ولی یک نظام سنتی مبادله، برای نمونه ویزا - در هر ثانیه ۳۰۰۰ مبادله انجام می‌دهد.

از نظر اصولی، واحدهای پول دیجیتالی باید پرداخت برای کالاها و خدمات را ساده‌تر و ارزان‌تر کند چون لازم نیست که مقادیر زیادی نقد را با خودتان در چمدان حمل کنید. به نظر می‌رسد که یک واحد پول دیجیتالی دورنمای مبادلات در قرن بیست و یکم باشد ولی بلافاصله باید به مسائلی که پیش می‌آید پرداخت. چه کسی این واحد پولی را کنترل می‌کند و یا در کورد کسانی که هم‌چنان می‌خواهند دارایی خود را به صورت نقد داشته باشند و نمی‌خواهند مجبور باشند که یک حساب بانکی داشته یا «کیف پولی پر از لیبرا» داشته باشند تا با آن خرید کنند، تکلیف آن‌ها چه می‌شود؟ فیس‌بوک در این جا آغازگر این فرایند نیست. تا به همین‌جا در چین ما نظام پرداخت دیجیتالی «وی‌چت» و «علی‌پی» را داریم. ولی نکته این است که اگر لیبرا اجرایی شود حوزه‌ی فعالیت جهانی‌اش بسیار گسترده است. فیس‌بوک میلیاردها کاربر اینترنتی دارد و شماری از شرکت‌های فراملیتی بزرگ هم وعده داده‌اند که از لیبرا - این واحد پولی تازه - استفاده کنند.

لیبرا واژه‌ای لاتین برای اندازه‌ی یک پوند (وزن) طلا یا نقره است. در رم قدیم یک واحد اندازه‌گیری ارزش بود. ولی لیبرا فیس‌بوک چنین چیزی نیست. برخلاف ادعا این یک واحد پولی مردمی که از سوی مردم کنترل می‌شود هم نیست. این یک واحد پولی خصوصی‌شده برای منافع بازرگانی فیس‌بوک و بانکداران سرمایه‌ای حامی آن است. این واحد پولی تازه در مالکیت و کنترل هیئتی از سرمایه‌گذاران شرکت‌های فراملیتی خواهد بود که برای ادامه‌ی کار در آن سرمایه‌گذاری خواهند کرد.

دلار آمریکا در تملک دولت امریکاست و همین نکته در باره دیگر واحدهای پول ملی صادق است. براین مبنای مقررات و قوانین مشخصی وجود دارد که واحدهای پول ملی چه‌گونه به کار می‌افتند. ولی در مورد لیبرا هیچ‌کدام از این‌ها وجود ندارد. کسانی

که دارایی خود را به صورت لیبرا درمی آورند باید به فیس بوک و هیأت مدیره‌ی آن اعتماد کنند که دارایی‌شان به هدر نمی‌رود و پای هیچ دولتی هم در میان نیست.

فیس بوک می‌گوید که از تکنولوژی بلاک چین (Blockchain) استفاده خواهد کرد، یعنی یک نظام دیجیتال غیرمتمرکز پرداخت و دریافت که در واقع تکنولوژی مورد استفاده‌ی همه واحدهای پولی دیجیتالی از جمله بیت کوین است. هدف اصلی واحدهای پولی دیجیتالی با ارایه‌ی امکانات ارتباط مستقیم، حذف واسطه‌های مالی است. بلاک چین در واقع یک نظام حسابداری برای ثبت همه‌ی مبادلاتی است که با استفاده از واحد پولی انجام می‌گیرد. تفاوتی که با نظام‌های حسابداری کنونی دارد این است که غیرمتمرکز است، یعنی هیچ مقام مرکزی وجود ندارد که سلامت این مبادلات را تأیید کند. در واقع این نظام تازه، از تأیید براساس سند اینترنتی استفاده می‌کند که هرده دقیقه کسانی که درگیر این مبادلات هستند آن را تأیید می‌کنند. انگیزه‌ی این هم پرداخت به صورت ارزهای دیجیتال «ضرب شده» برای اولین عضو است که آن را تأیید کند.

هدف از پول در یک اقتصاد سرمایه‌داری ابتدایه ساکن این است که یک واحد سراسری پرداخت‌هاست، سپس، یک معیار ذخیره‌ی ارزش است و در نهایت برای تدوین ترانزاکشن هم یک واحد حسابداری است. پول‌های دیجیتال هیچ کدام از این وظایف را انجام نمی‌دهند. عملکردشان به عنوان یک واحد حسابداری و یا به عنوان معیار ارزش به سبب ماهیت سفته‌بازانه‌اش به شدت تضعیف می‌شود. ارزش بیت کوین به شدت بالا و پایین می‌رود چون تنها سفته‌بازها آن را خرید و فروش می‌کنند و عموم مردم و یا شرکت‌ها از آن برای مبادلات و یا حفظ پس‌انداز مورد استفاده قرار نمی‌دهند.



حتی برخلاف بیت‌کوین، لیبرا نمی‌خواهد یک واحد پول دیجیتالی سراسری برای همه‌ی مردم باشد. در واقع یک واحد پولی خصوصی است که تنها برای گسترش و تعمیق کنترل فیس‌بوک بر قدرت خرید چهار میلیارد کاربر خود ابداع شده و هدفش کسب درآمد بیشتر است.

لیبرا اگر از زبان ادبیات مالی استفاده کنم یک «بنیاد مبادله‌ی ارزش مبادله» است که ارزش لیبرا بر یک سبد از واحدهای پولی ملی (دلار، یورو، ین، استرلینگ و فرانک سوییس) براساس یک ضریب تقسیمی استوار است. لیبرا یک واحد پولی دیجیتال بین‌المللی واقعی نیست بلکه ارزش‌اش به تعییرات در ارزش این پنج واحد پول ملی پیوسته است. لیبرا یک واحد پول خصوصی برای کسانی است که از فیس‌بوک استفاده می‌کنند. در واقع شبیه به «حق برداشت ویژه» (SDR) صندوق بین‌المللی پول است

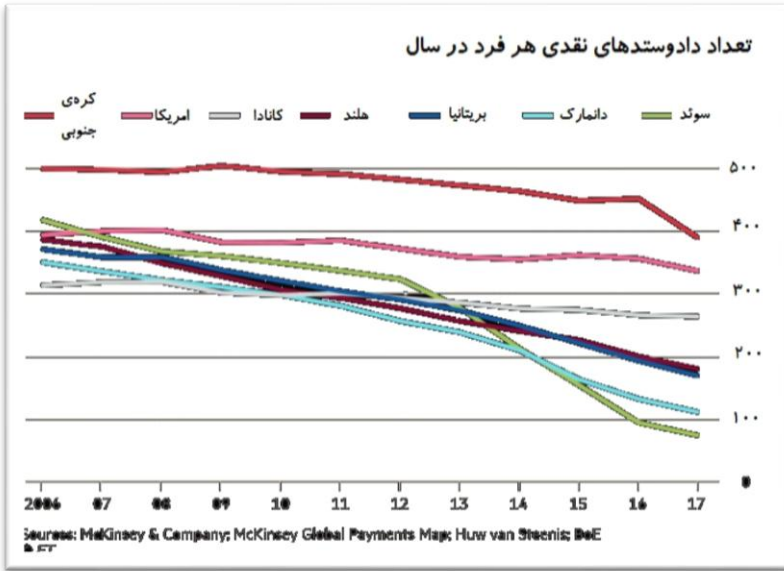
که برای تنظیم پرداخت‌ها و مبادلات بین صندوق و دولت‌ها ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزش حق برداشت ویژه هم به ارزش پول‌های ملی مثل دلار پیوسته است. هم‌این‌جاست که مشکلات بروز می‌کند. اگر شما لیبرا را خریداری کنید و در حساب لیبرایی خود در فیس‌بوک برای خریدهای خود در آینده نگاه دارید، به شما بهره‌ای پرداخت نخواهد شد درحالی‌که اگر دارایی‌تان را به دلار نگاه دارید به شما بهره پرداخت خواهد شد. البته لیبرایی را که در حساب‌های شما خوابیده، هیأت‌مدیره‌ی فراملیتی در دارایی‌های مالی سرمایه‌گذاری می‌کند تا برای آن‌ها کسب درآمد کند. در واقع همه‌ی منافع به جیب کسانی می‌رود که مالک این واحد پولی خصوصی هستند. این امر خیلی شبیه «حق‌الضرب» (Seignorage) است که در اختیار دولت‌ها و بانک‌های مرکزی قرار می‌گیرد است و وقتی که واحد پولی دولت‌ها و بانک‌های مرکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد نصیب آن‌ها می‌شود. همان‌طور که در اصل سند آمده است «بهره‌ای که از دارایی‌های ذخیره‌شده به دست می‌آید برای تأمین مالی هزینه‌های اداره‌ی این نظام صرف می‌شود تا مطمئن باشیم که هزینه‌ی مبادلات به حداقل می‌رسد، و بتوانیم به سرمایه‌گذارانی که در شروع کار سرمایه‌گذاری کرده‌اند، سود سهام پردازیم و شرایط را برای رشد نظام مهیا کنیم. کسانی که از لیبرا استفاده می‌کنند از این ذخیره‌ها در آمدی نخواهند داشت».

مقدار هنگفت لیبرایی که در حساب‌های کاربران فیس‌بوک انباشت می‌شود، در واقع در اختیار هیأت‌مدیره‌ی سفته‌باز است تا در دارایی‌های مالی جهانی به سفته‌بازی ادامه بدهند و در نتیجه بعد تازه‌ای برای ایجاد حباب‌های اعتباری و سقوط مالی فراهم می‌شود که پی‌آمدهای زیان بارش نصیب میلیاردها کاربری می‌شود که از لیبرا استفاده کرده‌اند. تا به همین جا می‌دانیم که تنظیم بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی در عمل موفق نبود و نتوانست از بروز بحران مالی جهانی جلوگیری کند. رشد چشمگیر بدهی بخش خصوصی در کنار رشد فوق‌العاده‌ی بدهی بخش عمومی که در نتیجه‌ی نجات نظام بانکی جهانی ایجاد شد هم‌چنان ادامه دارد. اگر لیبرا موفق شود لایه‌ی دیگری از بدهی‌های تأمین‌شده

با اعتبارات برای میلیاردها کاربر ایجاد می‌شود با این تفاوت که از سوی هیچ دولتی نظام بیمه‌ای حفاظت از سپرده‌ها وجود نخواهد داشت.

از منظر سرمایه‌ی جهانی این واژه وجود دارد که اگر بخش بزرگی از جمعیت به جای استفاده از واحد پولی دولتی از لیبرا استفاده کنند، در آن صورت بانک‌های مرکزی دیگر نمی‌توانند و قدرت نخواهند داشت تا در زمان بروز بحران مالی از تبدیل سریع واحدهای پولی ملی به لیبرا جلوگیری کنند. ممکن است بگویید که خب اگر این برای سرمایه مناسب نباشد، ولی برای مردم خوب است. چون مردم باید بتوانند از کنترل بانک مرکزی، نظام بانکداری رسمی، و دولت‌ها خارج شده و واحد پولی خود را «آزاد» کنند و از هزینه‌ی مبادله بکاهند.

ولی لیبرا برای رسیدن به این اهداف مفید نخواهد بود. لیبرا مدعی است که واحد پولی به‌عنوان یک «کالای عمومی» و با «حاکمیت غیر متمرکز» اداره می‌شود ولی این ادعاها با واقعیت ساختار عملی غیرپاسخ‌گو و به‌شدت متمرکز شرکت‌های جهانی مانند فیس‌بوک، اوپن و پی‌پل جمع‌شدنی نیست. درحالی که استفاده از پول نقد هر روزه کم‌تر می‌شود، تا به همین جا بیش‌تر از همیشه به تعداد اندکی از بانک‌های بزرگ - برای نمونه بازار کارت‌های اعتباری که در کنترل ویزا و مستر کارد است - مدیریت پول ما و تنظیم پرداخت‌های مان وابسته‌ایم. در بازارهای بریتانیا، ۹۸ درصد از کارهای اعتباری به‌وسیله‌ی ویزا صادر می‌شود. لیبرا در واقع بیانگر کوششی از سوی شرکت‌هاست تا کنترل بیش‌تری بر پولی که داریم اعمال کنند.



آن چه از یک واحد پولی دیجیتال انتظار داریم شفافیت در فعالیت‌ها و تضمین امنیت اطلاعات شخصی ماست. لیبرایی که فیس‌بوک در حال صدور آن است در واقع نسخه‌ی معکوس این نیازهای ماست. آن چه در واقع ارزش‌های دیجیتالی نشان می‌دهند این است که کنترل بوروکراتیک، غیرکارآمد و خودسرانه‌ی پول ما به وسیله‌ی دولت و نهادهای وابسته به آن اکنون در معرض تهدید کمپانی‌های غول‌پیکر جهانی در زمینه‌ی تکنولوژی با استفاده از کنترلی است که بر ابزارهای ارتباطی اجتماعی دارند. از شوخی روزگار، این درست در شرایطی است که مدافعان نظریه‌ی مدرن پولی به ما می‌گویند که این دولت‌ها هستند که پول را خلق و آن را کنترل می‌کنند، در نتیجه می‌توانیم از دولت استفاده کنیم تا برای همگان شغل و درآمد ایجاد کنیم. ولی الان به نظر می‌رسد که شرکت‌های غول‌پیکر انحصاری جهانی کنترل دولت را در این حوزه‌ها به چالش کشیده‌اند.

آنچه به واقع نیاز داریم کنترل دموکراتیک بر نهادهای مالی است و همچنین باید کمپانی‌های غول‌پیکری چون فیس‌بوک، گوگل و آمازون را در اختیار بگیریم. دولت‌ها باید از ابداعات تکنولوژیک برای ایجاد واحد پولی دیجیتالی که به نفع عموم ایجاد شده و به‌وسیله‌ی آنها مدیریت می‌شود استفاده کنند. ولی برای ایجاد واحد پولی دیجیتال عمومی مالکیت اشتراکی و کنترل مؤسسات مالی و انحصارهای دیجیتالی ضروری است. فعلاً ولی یا دور دور دلار خواهد بود یا لیبرا.

پیوند با منبع اصلی:

[Facing up to Libra](#)